

## تور و تورگردانی

در سلسله میزگردهای نشریه، این شماره را به بررسی تورها، شرایط تورهای طبیعت‌گردی، آموزش‌های تخصصی در زمینه برگزاری تور و وضعیت موجود تور و تورگردانی در ایران اختصاص داده‌ایم. در این میزگرد عباس جعفری، فخرالسادات غنی و امیر حسین اربابان نظرات کارشناسی خود را ارایه داده‌اند که در ادامه می‌خوانیم.

### طبیعت‌گردی:

پیشرفته بیان کنیم که طبیعت‌گردی یعنی چه؟ ما هنوز هیچ تعریف مشخصی نداریم. حرف من به این معناست که این فرآیند یک سلسله مراتبی دارد که بخشی از آن تورهای طبیعت است و در آن زمان هم باید بدانیم که حالا وظیفه دولت در امر نظارت چیست؟ آژانس طبیعت‌گردی چه کسی است؟ و چه تعریفی دارد؟ و چه کاری را باید انجام دهد؟ تور طبیعت‌گردی هم به همین صورت باید تعریف شود. باید تمام قطعات این پازل را به درستی در کنار یکدیگر قرار دهیم تا بتوانیم یک نقش زیبا از طبیعت‌گردی بسازیم.

دوستی برای من تعریف می‌کردند که در کویر لوت ۵ دستگاه اتوبوس

موضوع امروز ما بررسی تورهای طبیعت‌گردی است، چه زمینه‌هایی و چه ظرفیت‌هایی برای این موضوع مطرح می‌شود و موانع آن چیست؟

### فخرالسادات غنی:

تصور من این است که ما هنوز تعریف درستی از طبیعت‌گردی نداریم، به نظر من یکی از فعالیت‌های خود در نشریه را به این موضوع اختصاص دهید که جایگاه طبیعت‌گردی براساس معیارهای تعریف شده‌ای که کشورهای دیگر جهان در حال حاضر بصورت مدون این کار را انجام می‌دهند، کجاست؟ بعد از آن ما هم می‌توانیم معیارهای سازمان‌های بین‌المللی را مطرح کنیم، می‌توانیم از زبان کشورهای



آمده و اگر برای هر اتوبوسی ۴۰ نفر هم که تعریف کنیم؛ ۲۰۰ نفر پاکوب هم که بکنند ببینید که چه برسر آن منطقه می‌آورند. در حالی که در معیارهای استاندارد حداکثر ۲۵ نفر برای تور طبیعت‌گردی تعریف می‌شود که با توجه به پتانسیل منطقه می‌توان این تعداد را کم و زیاد کرد ولی یک معیار دارد، هدف‌مندی لازمه این کار است.

### جعفری:

در واقع مشکل ما یکی و دوتا نیست و من فکر می‌کنم که یک پارادوکسی است به "نام طبیعت‌گردی و تور"، این دیدگاه من است، این شاخص‌هایی که شما می‌فرمایید و استانداردهایی که در ذهن ما است به عنوان آدم‌هایی که متولی این بحث هستند. ما کارشناسانی را داریم که فارغ از اینکه هر کسی برود و هر کسی بیاید و سازمان عوض شود این آدم‌ها هستند مثل همین بخش تکنوکراتی که در همه جوامع است و به عنوان کارشناس و متخصص همیشه هستند. من آن بخش دولتی را کنار می‌گذارم. اما در بخش داخلی قضیه ما با یک پروسه‌ای روبرو هستیم که خودمان علاقه‌مند به طبیعت هستیم ولی این علاقه‌مندی به طبیعت یا می‌تواند خیلی جدی باشد یا می‌تواند خیلی آماطور باشد. یک علاقه‌مند به جای اینکه آخر هفته بنشیند در خانه و تلویزیون تماشا کند ترجیح می‌دهد که برود در طبیعت به کوه‌های دور و برش برود به کویر برود من از دامن این جماعتی که علاقه‌مندان جدی‌تری هستم یک دفعه که علاقه به

**راه‌نما می‌بایست  
کلیدهای شعور و احساس  
را در طبیعت‌گردی روشن  
کند تا بتواند محیط را درک  
کرده و از مسیر لذت ببرد  
در این صورت حتی اگر به  
قله هم نرسد از مسافرت و  
گردش خود راضی است**

این شدت نبوده، آرام آرام این، زیر پوست او نفوذ کرده و چسبیده به ما و ما غرقش شدیم و افتادیم در این قضیه و لذتش را هم برده‌ایم. این است که من فکر می‌کنم که تعبیر عرفانی قشنگی دارد که می‌رسید که عاشقی چیست؟ "گفتا چو ما شوی بدانی" و تلاش یک نشربه مثل طبیعت‌گردی این است که چو ما شوی بدانی است. بدترین گردشگران جهان ایتالیایی‌ها هستند و طبق آمار WTO بهترینش ژاپنی‌ها هستند و این آمار را هتل‌ها می‌دهند. دوم اینکه آن آدمی که قرار است بلند شود برود و یک جایی را کشف کند و برگردد و پیدا کند با من و جناب‌عالی و تور کاری ندارند. حداکثر این است که می‌روند GPS برمی‌دارند و تنها چیزی که برمی‌دارند به غیر از کوله‌اش که اگر رفت و یک جایی گم شد و اتفاقاً خوب هم هست به نظر من چون تمام این کشف‌های جدیدمان در گم شدنمان است که بدست می‌آوریم. اتفاقاً اینجا که رسیدی و گم شدی تمام توانایی‌هایت را کشف می‌کنی. این ۶ حس ما که ۵ حس فیزیکی و ۱ حس متافیزیکی که داریم به ما کمک می‌کند تا رشد کنیم. یعنی با بساویی و لامسه و شنوایی و دیدن است که چیزی به ما اضافه می‌شود. من ۱۰۰۰ بار بروم فلان گردنه ولی اگر دماغم را گرفته باشم هیچ موقع عطر آن کاج‌ها را حس نمی‌کنم. ولی می‌آیم سر گردنه که می‌رسم اگر چند مسافر هم با من باشند که بخوابیم برویم دماوند اول می‌گویم این بو را حس می‌کنید و این‌ها به دنبال بویی می‌گردند که مال درخت‌هایی است که در پایین است. بعد می‌گویم تو "جین" را می‌شناسی؟ آن "جین" را از درخت می‌گیرند چون باید با نگرش خودش به او حرف بزنی. این عطر مال این گیاه است ولی اگر قرار باشد با اتومبیل از سر گردنه رد بشوی فقط و فقط مسافر فکر کند که باید برود قله دماوند و برگردد و بگویم ۵۶۷۱ متر ارتفاع این کوه است. آن فقط برای دیدن دماوند آمده و برگشته اما ما باید چه کار کنیم ما باید شعور این آدم را تحریک کنیم که این درخت است، این صدا مال "کوکو" است این پرنده مثلاً فقط در این حوضه درمی‌آید در این موقع می‌آید ما داریم به او می‌گوییم باعث می‌شود که او حتماً دفعه آینده قصد کند که با تو بیاید و تو به عنوان راهنمای او باشی. ما کلیدهای شعور و احساس او را روشن کردیم و او توانسته محیط را درک کند و حتماً حتی اگر به قله هم نرسد از تو راضی خواهد بود، ولی اگر طرف را ببرید به قله دماوند و از کوه بالا برده و بعد به پناهگاه و بعد از پناهگاه پایین بیاوری و بعد تهران و این مسافر از ایران هیچ چیز را نفهمیده و آن فقط یک خستگی و سختی را داشته‌است و آن چیزی که در تورگردانی اهمیت دارد این است که توریست شما اگر

### اربابان:

بحث کلی این است که ما چرا آمده‌ایم و چرا داریم می‌رویم. انگیزه‌هایی وجود ندارد، انگیزه باید وجود داشته باشد. در غرب یا شرق خارج از پیرامون ایران یک سری متفکر نشسته‌اند با یک سری برنامه‌های خاص آزمون و خطا به یک سری موارد رسیده‌اند. طبیعت‌گردی تعریف شده که چرا به طبیعت می‌روند در صورتی که ما اصلاً طبیعت را گم کرده‌ایم. ما فکر می‌کنیم که طبیعت جایی است که بروند از چهاردیواری خارج شوند و بروند هر کاری که دلشان می‌خواهد انجام دهند. یکی از بچه‌های طبیعت‌گردی به ما گفت می‌خواستیم چهار صبح برویم صدای یک پرنده را بشنویم، تا آنجا رسیدیم آنجا راننده اتومبیل دستش را گذاشت روی بوق و در نتیجه همه چیز به هم ریخت. یعنی برای ساعت ۶ صبح که آفتاب می‌زند و این پرنده می‌خواند و تو می‌خواهی صدا را گوش کنی و ضبط کنی دیگر وجود نداشت. این چیزهایی است که باید به آن توجه کرد و من بیشتر روی آموزش تاکید دارم.

### طبیعت‌گردی:

ما باید فرآیند یک تور را از ابتدا تا انتها و حتی بعد از بازگشت را بررسی کرده، یک نگاه وضع موجودی داشته باشیم و بررسی چالش‌ها و بگویم وضع مطلوب باید این باشد.





خسته شود به درد نمی خورد. یادمان باشد کسی دارد می آید سفر نیاز به لذتی از نوع خودش دارد چون آدمی که خسته شد به لحاظ فیزیولوژیکی همه احساسش تعطیل است که شما می توانید یک مسافر را خیلی هوشمندانه می توانید ببرید ولی به قله نرسد، به دلیل ضعف توانایی خودش و یا بدی هوا، اما راضی برگردد.

### طبیعت گردی:

یکی از موضوعات مهم در این بحث اطلاعات راهنمایان تور است و اینکه آیا در یک مدت کوتاه ۶ ماهه آن اطلاعات لازم را به این راهنمایان یاد می دهیم از جمله: فنون راهنمایی، جغرافیای ایران را با تمام عناصر، منطقه‌ای و ...؟

### اربابان:

ما یک سوپر مارکت جغرافیایی داریم که هر چه بخواهی در آن هست طبیعت گردی، فرهنگ، جغرافیا، تاریخ ۱۵۰۰ ساله، آقای جعفری حرف خوبی زدند باید بیایی چو ما شوی را یاد بگیریم اولاً فشار زندگی و بحث‌های مالی همه این‌ها وجود دارد. این جماعتی هم که عاشق این کار هستند ما باید وارد این کار بکنیم و آگاه کنیم. من از کار تورلیدی لذت می برم من عاشق کشورم هستم عاشق تاریخ هستم. من سال ۶۸ که آمدم ایران نمی دانستم چه کسی هستم ۷ سال طول کشید تا وارد جریان واقعی گردشگری شدم. چون از سال ۶۸ باتورهای اصفهان رفتم اصفهان و شیراز را گشتم. سال ۲۰۰۰ کل برج‌ها را آنجا دیدم تازه بیدار شدم باید به یک بیداری برسید. ما راهنماها عوامل خوبی هستیم برای گردشگری. بحث طبیعت گردی یک بحث تخصصی است، آژانس‌هایی که می‌خواهند کار کنند در طبیعت باید برسید که کجا می‌روی و چه کار می‌کنی، چون این طبیعت‌گردهایی که دارند می‌روند جز تخریب برای طبیعت چیز دیگری ندارند. اولین سالی که جامعه راهنمایان تشکیل شد رفتیم استان گلستان، آقای اینانلو می‌گفت ما هتل نیاز نداریم، آنها می‌گفتند هتل ۵ ستاره بدهید در آن جنگل زیبایی که طبیعت گرد می‌تواند اقامت کند. آقای اینانلو گفت طبیعت گرد هتل پرستاره نیاز دارد نه ۵ ستاره. راهنماها باید تخصصی کار کنند یعنی قطعاً باید بدانند در چه مسیری دارند می‌روند چون طبیعت گرد می‌رود که با طبیعت آشتی کند.

### طبیعت گردی:

شما به عنوان متولی راهنمایان تور چه اقداماتی را برای این کار انجام داده‌اید؟

### اربابان:

با مشکلات عدیده‌ای در این قضیه درگیر هستیم، یک سری از این‌ها که فقط به فکر پول درآوردن هستند و اجازه به ما نمی‌دهند مثل اینکه مجله شما می‌خواهد تخصصی کار کند چایش راعقب می‌اندازد یا می‌آیند مثلاً اجازه نمی‌دهند فلان مقاله چاپ شود شما کارت به چالش می‌خورد، جامعه راهنمایان برای این تشکیل شد که تمام مسائل را تخصصی پیش ببرید. جوانب کار را یک راهنما می‌تواند همه جوره نگاه کند. وقتی یک گروه زنگ می‌زنند و می‌گویند می‌خواهیم حتماً اربابان در تور باشد. من همه جوره سعی می‌کنم یک بازاردار باشم. خیلی از ما یک عامل هستیم. ما یک وظیفه اجرای تور داریم حالا می‌خواهد طبیعت گردی باشد، می‌خواهد فرهنگی باشد. یک سری مشخصات دارد که باید اجرا کنیم به گردشگر تمام اطلاعات لازم را خصوصیات جغرافیایی - تاریخی - صنعتی و ... را در هر منطقه‌ای که می‌رویم باید بگوییم. باز طبیعت گردی تخصصی تر است هر کسی که می‌آید پرنده ببیند، آن راهنما باید روی آن پرنده اشراف داشته باشد که آن پرنده چه خصوصیتی دارد یا آن گونه گیاهی چه زمانی شکوفه می‌دهد، بنابراین خیلی مهم است که ما بحث‌های آموزشی را بدانیم. موسسات آموزشی که در این زمینه هستند اینها را باید وادار کنیم که به صورت تخصصی و پژوهشی کار کنند و بیایند آن مختصات جغرافیایی که در این سیستم وجود دارد برای بازارهای مختلف تعریف کنند.

### طبیعت گردی:

مشخصه‌ای که برای راهنمای یک تور است چیست؟ مثلاً شما یک اهداف مشخصی را در ذهنتان تعریف کرده‌اید اما این اهداف چه چیزهایی است که شما به آن مقصد برسید؟

### جعفری:

یک وقت هست که شما می‌خواهی مسافر بسازی یک وقت هست که شما می‌خواهی راهنما بسازی. من سر کلاس همیشه در انتها می‌گویم امیدوارم که مسافران خوبی در بیاید و آن‌ها می‌گویند ما آمده‌ایم راهنما شویم. جایی که من خودم دارم وقت می‌گذارم چون اگر مسافر خوبی نباشی هیچ وقت راهنمای خوبی هم نخواهی بود. من برای چند شرکت در نیال تور می‌برم. از کشورهای دیگر هم آنجا عضوتم. با یک مراکشی برخورد کردم گفتم چه عجب ما یک عرب راهنما هم پیدا کردیم. بعد گفت

پوست ما را می‌کنند تا بشویم راهنما ۵۰ هزار نفر ثبت‌نام می‌کنند برای این که ۲۰۰ نفر را بگیرند بعد از اینکه آن ۲۰۰ نفر را بگیرند این ۵۰ هزار نفر هم باید تمام این دوره‌ها را بگذرانند. الان اشکال کار این است که آدم‌های صفر کیلومتر وارد مدارس می‌شوند ولی این آدم‌ها خودشان تازه می‌آیند تمام زیرساخت‌ها و فنون را یاد بگیرند. من مسافر خوبی هستم ولی روحیات ملل را نمی‌شناسم. می‌آیم روحیات ملل درس می‌گیرم که با فرانسوی این برخورد را بکن و با آلمانی این‌طور. چند روز پیش، من از یک خانمی که علاقه‌مند بود بیاید پرسیدم که بچه کجایی؛ اگر اردبیلی هستی کلخوران را بلدی. ولی نتوانست جواب دهد گفتم خوب بی‌انصاف تو شهر آباء و اجدادیت را حتی اسم قدیمیش را نمی‌دانی بعد چطور من به تو اعتماد کنم به عنوان یک تورگردان و یا به عنوان مسئول گردشگری من به تو تور بدهم که حتی تو بروی به دامغان اگر این اشتباه را بکنم بخشودنی نیست. این چیزی که شما اشاره کردید دقیقاً پیش‌فرض‌هایی است که اتفاقاً به نظر من باید درمجلات به مردم آموزش دهیم.

### طبیعت‌گردی:

چرا کار را پایه‌ای انجام نمی‌دهید اصلاً دوره را درست تعریف کنید ما می‌دانیم این آدمی که می‌آید آنجا به درد نمی‌خورد.

### جعفری:

من می‌گویم در تنگی برای ورود به دوره بگذاریم بعد از این طرف وقتی فرد وارد شد به او ارج دهیم مثلاً این آدم کارشناس گیاهان پیازدار ایران است دستمزدش هم به جای ۵۰ دلار ۲۰۰ دلار است آقای مظفری کارشناس گروه بنده است. ۳ سال با یک پروفیسور گیاه‌شناسی داریم کار می‌کنیم آقای دکتر مظفری افتخار بنده است و کنارش می‌ایستم و چیز ارزش یاد می‌گیرم بعد به مسافرم می‌گویم که من بهترین آدم دنیا برایت آوردم به همین دلیل من می‌توانم قیمت تور را خیلی گران بگیرم. دستمزد آقای دکتر مظفری هم به عنوان یک استاد دانشگاه سرجایش، هزینه تور هم سر جایش، تخصص من در تورگردانی هم سرجایش. حرف من این است ما متخصص بسازیم، متخصص نداریم. الان تشکیلات گردشگری ما در روش آموزش مثل مجله دانستنی‌ها است. یک مقدار از بند پایان بلدی یک مقدار از خزندگان، ولی وقتی می‌گویند عصر، عصر تخصص است بنده به عنوان یک راهنمای تور کسی را می‌شناسم که کارشناس شتهای روی برف بوده اگر از او راجع به پروانه بررسی جواب نمی‌دهد و بعد از من می‌خواهد که ببرمش به جایی که این شته روی برف می‌افتد و تبدیل می‌شود به پروانه. بعد می‌گویم یک جایی را بلد هستم که اصلاً اسمش این است که ما می‌گوییم برف کرمون بعد او را می‌برم برف کرمون که در بین برف کرم می‌گذارد. آن کرم همان چیزی است که این آقا به دنبالش است.

### اربابان:

بعضی از ما به خاطر اینکه فقط گردشگری را به صورت یک صنعت و علامت داریم نگاه می‌کنیم و الان داریم باهاش کار می‌کنیم مثل این است که ما قالی خیلی نفیسی داریم که انداختیم در خیابان با بلدوزر داریم از رویش راه می‌رویم. ما در ایران منابع زیادی داریم تمام این بچه‌هایی هم که دارند کار می‌کنند بدون اینکه اطلاع داشته باشند دارند چه کار می‌کنند وارد این گود می‌شوند. جایگاه راهنما از سال ۸۲ که ما حنجره‌مان پاره شد تازه یک جایگاه و هویتی پیدا کرده من می‌گویم راهنما سفیر فرهنگی کشور است. نماینده رسمی این کشور در تورهای ورودی است. یک خانم دکتر هلندی سال ۱۹۹۹ با یک گروه آمد. اینقدر خوشش آمد رفت و راجع به اسلام و زنان اسلامی تحقیق کرد از سال ۹۹ با من کار می‌کند هر دفعه هم می‌آید می‌گوید اگر تو نیایی من تور نمی‌آورم. ما برای ساختن و تولید یک راهنمای متخصص خیلی چیزها نیاز داریم.

### طبیعت‌گردی:

مشکل در ظرفیت‌های گردشگری است یا مشتری علاقه‌مند به این ظرفیت‌ها و یا اینکه ما توانایی بازاریابی و اجرا یک تور مناسب را نداریم؟

### اربابان:

ما تا حدودی همه این‌ها را داریم یعنی هم ظرفیت و هم نیروهای خوب ولی توانایی عرضه نداریم. شما باید بتوانید آن کالایی را که دارید خوب بفروشید و این وظیفه من راهنما نیست. من باید حفظش کنم. یعنی بازاریابی بکنیم ما توانایی بازاریابی نداریم تبلیغات نداریم و تفکرش را نداریم.

راهنما سفیر  
فرهنگی کشور  
است و در حقیقت  
عاملی است برای  
معرفی و انتقال  
فرهنگ‌ها



## جعفری:

و بیشترین کشته؛ در آن حوزه ایرانی‌ها است. این نشان دهنده این است مسافر ما مسافر نیست. کوهی که بیشترین صعودکننده را دارد هفته پیش یک تیم ۵ نفره رفتند همه هم مدعی و کوهنورد. یکی که سرپرست تیم بود اول افتاد تو شکاف یخی ۳ نفره با هم افتادند تو شکاف یخی ۵ ساعت آویزان بودند که یک نفر بیاید درشان آورد. این نشان دهنده این است که سفر رفتن مد شده بنا به دلایل اجتماعی و سیاسی و... من انتظارم را از رسانه برداشته‌ام چون رسانه‌ای نیست که آموزش بدهد. بماند زمانی که خود من در تلویزیون آموزش می‌دادم. معتقد بودم که این کار درست نیست. ما مردم را آشنا می‌کنیم با مبانی طبیعت ما مردم را آموزش نمی‌دهیم آشنایی یک بحث است آموزش یک بحث دیگر است. ما می‌گوییم که شما وقتی می‌خواهی از کوه بالا بروی باید طناب‌بند این باشد این جعبه دارویت باشد و ... دوستان بنده بلند شدند رفتند و در یخچال آویزان بودند تا از پایین ۵ تا روس آمدند ۳ تاشون آمدند ساعت ۱۲ شب یکی را از ۳۰ متری کشیده‌اند بالا و یکی را از ۷ متری بعد این‌ها را آوردند بالا بهشان می‌گویند تو این را داشتی بله همه وسایل را داشته‌اند منتها دانش کاربرد آن ابزار را بلد نیست. همه این‌ها به این دلیل است که یک سری چیزهای کاذب برای خودمان به وجود آورده‌ایم این چیزهای کاذب ما را داخل یک بازی کرده که آن بازی دقیقا می‌دانیم که چه وقت دستمان رو می‌شود وقتی که یک کارشناس می‌آید.

## فخرالسادات غنی:

اصولا در این دنیای ماشینی که این قدر فضایی که ایشان گفتند در این چهار دیواری‌های عجیب و غریب گیر کردیم به خصوص در این زمانه رویکرد به طبیعت خیلی بیشتر شده و یک جور بازگشت به اصل است. منتها ما قبلا هم می‌رفتیم در این طبیعت. ما قبلا هم ۱۳ به‌در می‌رفتیم قبلا بیلاق و قشلاق می‌کردیم. منتها این چیزی که الان وارداتی طبیعت‌گردی به این شکل نو است. ما مجبور می‌شویم گردن بگذاریم به استفاده از این‌ها ولی نمی‌دانیم فرهنگش را همان‌طور که آقای جعفری فرمودند این مسئولیت به عهده ماست. ما به عنوان یک مؤسسه‌ای که آموزش می‌دهد و شما که نشریه را می‌گردانید به مردم بگوییم که این چیزی که حالا آمده که قبلا اسمش این نبوده حالا اسمش شده اکوتوریسم یک سری کارهایی را باید هر کدامان بلد باشیم.

در یک هفته ما سه کشته در تورهای خروجی ایران داشته‌ایم. بالاترین میزان صعود به یک قله ۷ هزار متری در جهان مربوط به کوه لنین است و بیشترین کشته متعلق به ایران است

من یک مثل می‌زنم راجع به اینکه چرا ما تورهای طبیعت‌گردیمان کم است و مدعی هم هستیم؟ پتانسیل‌ها چقدر شناخته شده و آمایش و ... صورت گرفته‌است. نوعا حرکت‌های فورمالیستی و خیلی رونیایی و بدون عمق صورت گرفته. فقط به خاطر اینکه یک سندی درست شود. بنده به عنوان فروشنده باید متریا را بشناسیم الان وقتی بروید به یک کفشی و بپرسید که فلان کفش دارید؟ نمی‌داند متریا کس چیست نمی‌داند؟ قالبش چیست؟ بعد شما بروید به اروپا بگویید مثلا کفش اسکی می‌خواهم آن کسی که آنجا ایستاده و آن کفش را برای شما فیت می‌کند یک متخصص به تمام معناست این را مثال می‌زنم به خاطر اینکه بارها با این قضیه یعنی خرید وسایل ورزشی تخصصی در اینجا و در خارج از کشور درگیر بودم. کسی که ایستاده آناتومی شما را می‌داند. اگر دست گذاشتی روی یک کفش می‌گوید این کفش به درد تو نمی‌خورد در یک فروشگاه ورزشی بسیار گران می‌گویم آقا این کوله‌پشتی را که شما برداشتی زنانه است، می‌گوید مگر کوله‌پشتی زنانه- مردانه دارد؟ بعد گفتم که استخوان لگن یک خانم این است. شانه تو این است محور عمودی بدن تو این است. این آقایانی که می‌روند طبیعت ایران را به عنوان بازارباب بفروشند نمی‌شناسند حالا اگر قرار باشد حداقل در بخش خصوصی قضیه بخواهیم کار کنیم باید اول کلاس بگذاریم که این آژانس‌دارهای ما بدانند، وقتی با هم هر کدام از این آژانس‌دارها حرف می‌زنند فقط و فقط می‌گویند ایران جزو ۱۰ کشور بزرگ جهان است. این چیزی که می‌گویی چرت است در هند از صفرمتر تا ۸ هزار متر اختلاف ارتفاع است ما ۸ هزار متر اختلاف ارتفاع داریم در نتیجه ۸۰۰ گونه داریم. کشوری که ۴۷۰ گونه زبان و لهجه دارد، آن وقت چه طور ما می‌گوییم هنر نزد ایرانیان است و پس الان عصری است که می‌خندند بهت اگر همچنین حرفی را بزنی. باید بروی آنجا و بعد گزیده و دقیق صحبت کنی که ما یک گونه داریم مثلا به عنوان مثال خروس کولی که در حوزه آذربایجان زندگی می‌کند و این موقع تخم می‌گذارد و اگر خواستی بیایی باید این موقع بیایی و اگر این موقع نیایی نمی‌بینی بعد می‌فهمد که با یک متخصص سر و کار دارد. ما متخصص در امور چیزهایی که باید بفروشیم نیستیم.

## طبیعت‌گردی:

از آن طرف علاقه‌مند داریم؟

## فخرالسادات غنی:

وقتی که ما نمی‌توانیم بگوییم که چه داریم چگونه می‌خواهند علاقه‌مند شوند؟

## اربابان:

من گفتم باید عرضه و تقاضا وجود داشته باشد. گفتم تورلیدر برای چه دارید تولید می‌کنید بروید مدیر فنی تولید کنید که آژانس‌ها را درست بگردانند.

## فخرالسادات غنی:

نه تورلیدر هم تربیت کنند این قدر زیاد شود که شاخص‌ها را انتخاب کنیم رقابت بشود. من به عنوان کسی که یک تور را اداره می‌کنم می‌گویم خودم تاکنون ۴۰۰ نفر را تعلیم دادم اما خودم می‌گویم که ما متخصص نداریم بین این ۴۰۰ تا من نمی‌توانم انتخاب کنم. من به این اعتقادی ندارم که ورودی خیلی سخت باشد ما باید خروج را خیلی سخت کنیم. یعنی همه بیایند بعد تعلیم دهیم و بعد انتخاب کنیم. حالا کسانی که مردود شدند فکر می‌کنند باید بروند و یک چیزی از تاریخ ایران بدانند. یک چیزی از طبیعت ایران بدانند. اما خروجی آن قدر سخت باشد که ۱۰ نفر بیایند بیرون و این‌ها کسانی باشند که با دو تا تور امتحان شده‌باشند.

## طبیعت‌گردی:

مساله دیگر در مورد تورهای طبیعت‌گردی مخصوصا در دیدگاه مردمی این است که این قدرها سخت است، خطراتی دارد یا اینکه نیاز به تجهیزاتی دارد که گران می‌باشد و تهیه آنها سخت است و این باعث می‌شود که ما کمتر تور طبیعت‌گردی داشته باشیم و آژانس‌دارها هم زیاد در این زمینه شرایط را مساعد نکرده‌اند. این مساله چقدر واقعیت دارد؟

## جعفری:

در یک هفته ما ۳ کشته در تورهای خروجی ایرانی داشتیم. در کوه لنین در قرقیزستان. کوه لنین خیلی جالب است. بالاترین میزان صعود به یک قله ۷ هزار متری در جهان مربوط به کوه لنین است

که ماندیم ۹ ساعت در بیابان منتظر بودیم که قضیه حل شود و یکی از عکاس‌ها هم یک عکس از قاچاق بنزین پشت شیشه اتوبوس گرفت. ما در این مدت هیچ جایی را ندیدیم چون قرار بود برویم شهرسوخته را ببینیم وقتی برگشتیم جلسه که شروع شد من گفتم خیلی خوشحال شدم گفتم ببین ما چه کشیدیم تو مدیر گردشگری از پس یک سرگروه‌بان پاسگاه سنگی برنیامدی ببین من چقدر بدبختم که با ۲۰ تا مسافر بیایم اینجا و همین اتفاق بیفتد. گفتم چون من سال‌ها مامور مواد مخدر بودم تمام راه‌های پشت را بلد هستم. بزرگترین هنرم این است که از آن پشت بروم که گیر این‌ها نیفتیم. عنصر امنیتی که باید کمک من باشد شده مانع گردشگری من. حتما یک جای کار غلط است.

### طبیعت‌گردی:

از شما عزیزان سپاسگزاریم.



فخرالسادات غنی: مدیرعامل موسسه طبیعت

عباس چغری: عکاس، طبیعت‌گرد

امیرحسین اربابان: رئیس انجمن راهنمایان ایرانگردی

